

حمله‌ی امامان جمعه به مطبوعات و رسانه‌ها

وبلاگ تاسیانی

<http://tasyani.blogspot.com>

tasyani@gmail.com

1. ائمه جمعه‌ی سراسر کشور در خطبه‌های نماز جمعه‌ی 7 اردیبهشت ماه که مضمین آن را ستاد ائمه‌ی جمعه، زیر نظر رهبر، تعیین می‌کند، حمله گسترده‌ای به مطبوعات و رسانه‌ها آغاز کردند. سید احمد خاتمی در تهران، برخی روزنامه‌ها را به مرثیه سرایی برای «هرزه‌ها» و «هنجار شکن‌ها» متهم کرد. این در حالی بود که امام جمعه مشهد علم‌الهدی، نیز گفت: یک عده معتقدند که بی‌حجابی مساله‌ی فرهنگی است، در صورتی که این مساله کاملاً امنیتی است و حتی از دزدی و آدم‌کشی نیز بدتر است.

خطیب جمعه‌ی قم نیز با حمایت از طرح نیروی انتظامی در برخورد با بی‌حجابی، از مطبوعات انتقاد کرد و گفت: بدترین گناه این است که در راستای انحراف جامعه قلم بزنند، چرا که دشمن از این مساله سوءاستفاده می‌کند. وی افزود: مطبوعاتی که رنگ و بوی اسلامی در آنها نیست، به کارهای خلاف دامن می‌زنند.

این سخنان در حالی گفته شد که در هفته‌ی گذشته محمود احمدی نژاد در کنفرانس مطبوعاتی خود، چنین گفت: «دشمنان می‌خواهند عده‌ای را با ظاهر نامناسب در جامعه راه بیاندازند. و پس از برخورد با آنان تبلیغ کنند که در ایران با جوانان برخورد می‌شود. و خمودی و یاس بین جوانان به وجود بیاورند». از دیگر سو در هفته گذشته، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با تهدید شدید مطبوعات در رابطه با انتقاد از طرح نیروی انتظامی برای مقابله با بدحجابی، هشدار داد و گفت: با اقدار با مطبوعاتی که با ایجاد تفرقه باعث اخلاف در کار نیروی انتظامی می‌شوند، برخورد خواهد شد.

2. چنین برخوردهایی بی‌شباهت به برخوردهای اردیبهشت ماه 1379 نیستند؛ زمانی که تنها در 24 ساعت بعد از سخنان رهبر جمهوری اسلامی و ائمه‌ی جمعه در انتقاد از مطبوعاتی که آنان روزنامه‌های زنجیره‌ای می‌نامیدند، بیش از 12 نشریه توقیف شد.

به نظر می‌رسد حکومت خود را برای ضربه‌ای دیگر به مطبوعات و رسانه‌ها آماده می‌کند. قطعاً دولت احمدی نژاد که میان توفانی از بحران‌ها و مشکلات ناشی از عملکرد غلط خود گرفتار است، حال در برابر اعتراضاتی که رفته رفته همگانی می‌شوند، راهی جز سرکوب جامعه نمی‌بیند. و وقتی هم که به هیچ شکلی پاسخگوی رفتار خود نبوده و مسئولیت نمی‌پذیرد، می‌تواند سرکوب را به هر شکل و با هر روشی توجیه کند. این بار نیز گویا سرکوب از اندک مطبوعات نیمه مستقل باقی مانده آغاز خواهد شد، همانطور که در سال 1358 و 1379 چنین بوده، ابتدا صداهای منتقد را ساکت می‌کنند. و سپس در سکوت خبری اقدام به ایجاد جو خفقان و وحشت در جامعه کرده و برنامه‌هایشان را پیش خواهند برد.

3. کسی منکر بحران اخلاقی موجود در جامعه نیست. برای اثبات این بحران کافی است سری به صفحه‌ی حوادث روزنامه‌ها بزنیم. اما این بحران ریشه در رفتارهای نابخردانه‌ی حکومت اسلامی در سه دهه گذشته دارد. وقتی روزنامه‌ها و کتاب‌ها سانسور می‌شوند، وقتی روشنفکران و دانشجویان زندانی و کشته می‌شوند، در غیاب احزاب سیاسی و وقتی آموزش و پرورش ایدئولوژیک می‌شود، جامعه با بحران هویت مواجه شده و وقتی فشارهای اقتصادی نیز روزافزون و غیر قابل تحمل شوند - که شده‌اند - طغیان می‌کند. در جامعه‌ی ما که طغیان‌ها ناآگاهانه و حرکت‌های طبقات اجتماعی به نفع نظام‌های بنابا پارتی شکل می‌یابد، در جامعه‌ی ما که مرتجع ترین افراد (روحانیون شیعه) تریبون‌ها را در اختیار دارند و ترویج خرافه و دروغ و اتهام را عرفی کرده‌اند، برای ایستادگی در برابر رفتارهای غیر قانونی حکومت، راهی جز آگاهی توده‌های مردم باقی نمانده است. و از همین روست که حکومت با تمام توان در برابر ابزارهای آگاهی مردم ایستادگی می‌کند. برای همین است که ائمه‌ی جمعه به روزنامه‌ها حمله می‌کنند و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، منتقدان را تهدید می‌کند و رئیس جمهوری در توجیه همه این رفتارها، از آنان حمایت می‌کند. اما دور و دیر نیست که تغییر بزرگ رخ داده و جامعه هشیار و بالنده در دفاع از حقوق و منافع خود برخیزد.

وبلاگ تاسیانی

<http://tasyani.blogspot.com>

tasyani@gmail.com